

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

یکشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۵ • ۱۶ شوال ۱۴۴۷ • ۵ آوریل ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۵۲ • صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۸:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۴۴

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

جنگ‌خوانی

در باب حقانیت ذاتی ضدجنگ بودن



علی مرسلی

در روزهای پس از جنگ ۱۲روزه،

مراجعه‌کننده‌ای چینی در مطب داشتم که با هیجان و البته وحشت از شنیدن و دیدن انفجار در نزدیکی محل زندگی‌اش در تهران صحبت می‌کرد.

می‌گفت این نخستین جنگ در تمام زندگی‌اش بوده و هرگز تصور نمی‌کرد روزی جنگی را از نزدیک در طول حیاتش تجربه کند، با خودم فکر کردم و در دل گفتم که من هم همین‌طور. در واقع، من نیز نخستین جنگ رسمی زندگی‌ام را تجربه کرده‌ام؛ جنگ هشت‌ساله را چندان به یاد نمی‌آورم و حالا این تجربه برایم به دومین جنگ تبدیل شده است.

هم‌نسلان ما و حتی کسانی در سن پدر و مادرمان، اکنون سوومین جنگ زندگی خود را تجربه می‌کنند؛ چیزی که نه من و نه بسیاری از مردم ایران هرگز انتظارش را نداشتیم و به‌هیچ‌وجه عادی نیست.

اگر فقط «جنگ ناشی از حمله مستقیم خارجی» در نظر بگیریم، در قرن بیست‌ویکم این پدیده نسبتاً نادر بوده است. بر اساس داده‌ها، حدود سه تا هشت درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی کرده‌اند که چنین جنگی را تجربه کرده‌اند و اگر فقط جنگ‌های بزرگ و طولانی را در نظر بگیریم، این عدد به حدود دو تا پنج درصد کاهش می‌یابد. بنابراین بیش از ۹۵ درصد مردم جهان تاکنون تجربه مستقیم جنگ (با حمله خارجی) نداشت‌ه‌اند و درکی عینی از آنچه در جنگ بر سر انسان‌ها می‌آید ندارند. پس نباید انتظار زیادی از آنها برای فهم تجربه کسانی

داشت که زیر سایه جنگ زندگی می‌کنند.

از دوره صفویه تا امروز حدود ۲۰ نسل گذشته

است و تقریباً هر نسل، به‌طور میانگین، یک جنگ را در حیات خود تجربه کرده است؛ از جنگ‌های با عثمانی و شکست در برابر روسیه و بریتانیا تا اشغال کشور در جنگ جهانی دوم و جنگ هشت‌ساله با عراق. البته بسیاری از این جنگ‌ها ماهیتی منطقه‌ای داشته‌اند؛ برای مثال، تأثیر جنگ‌های ایران و عثمانی یا ایران و روسیه در تیریز به‌مراتب محسوس‌تر از شیراز بوده است. با این حال، کمتر نسلی مانند نسل امروز در فاصله‌ای چنین کوتاه، دو جنگ یا در طول زندگی خود سه جنگ را در ابعاد سبزرزمینی و ملی تجربه کرده است. ما به عنوان یک ایرانی، اگر حاملان عادی نیست، اگر حاملان بنوار بد است، اگر برخی از ما پایان جنگ را با هر شرایطی در لحظه ترجیح می‌دهیم، اگر حتی دل‌تنگ دوره‌های کوتاه آرامش میان جنگ‌ها هستیم و اگر می‌دانیم پس از جنگ نیز با انبوهی از مشکلات و مصیبت‌ها روبه‌رو خواهیم بود، باز هم حق داریم. دیگران نیز باید این حق را برای ما قائل باشند که نرفت خود را از جنگ و آنچه جنگ بر روان، سرنوشت و زندگی تک‌تک انسان‌ها در طول نسل‌ها تحمیل می‌کند، با صدای بلند (اگر ممکن باشد) به جهان اعلام کنیم.



عکس تهران - مصطفی رودکی

پس از آغاز جنگ تحمیلی در فوریه ۲۰۲۶ از سوی آمریکا و اسرائیل که به میهن ما تجاوز شد و بسته‌شدن تنگه هرمز، طی هفته‌های اخیر رئیس‌جمهور متوهم آمریکا ایران را تهدید می‌کند که در صورت بازنشدن تنگه هرمز ایران را به عصر حجر برمی‌گرداند. این فکرد که ظاهراً با ایران و تاریخش ناآشناست، از اساس نمی‌داند خلیج فارس و تنگه هرمز چه اهمیت راهبردی‌ای در تاریخ ایران ما دارد و ایرانینا چه تاریخچه‌ای از مبارزه برای دفاع راهبردی از سواحل و آب‌های خود و دفع تجاوز از در این پهنه دارند. در دوره هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد) خلیج فارس به‌صورت رسمی در قلمرو شاهنشاهی ایران قرار داشت و یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی امپراتوری ایران بود. در کتیبه‌های داریوش مانند کتیبه کانال سوزن، از این پهنه با عنوان «دریای پارس» یاد شده است. در آن دوران خلیج فارس بخشی از ساتراپی‌های جنوبی و مسیر ارتباط شرق و غرب امپراتوری بود. در زمان ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) ایرانیان با ایجاد ناوگان قدرتمند دریایی به کنترل سواحل جنوبی خلیج فارس با حضور نظامی در بحرین و عمان و مقابله با نفوذ روم شرقی پرداختند. بندرهای مهم خلیج فارس، سیراف و هرمز بود و خلیج فارس عملاً «دریای داخلی ایران» محسوب می‌شد. در هزاره اخیر دست‌کم از دوره صفویه، خلیج فارس نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی و اقتصاد ایران داشته است. در ابتدای دوره صفویه، آلفونسو آلبوکرک، فرمانده پرتغالی ابتدا در ۱۵۰۷ هرمز را اشغال موقت کرد و سپس در ۱۵۱۵ آن را به‌طور کامل تصرف کرد و در آن دژ نظامی ساخت. ساخت قلعه‌های نظامی پرتغالی‌ها در جزیره هرمز با ساخت قلعه بزرگ پرتغالی‌ها و پایگاه نظامی در مسقط با ایجاد پایگاه دریایی مهم و در جزیره ایرانی بحرین نفوذ نظامی پرتغالی‌ها اجرا شد. پرتغال با ناوگان توپ‌دار پیشرفته و کشتی‌های جنگی سنگین با توپخانه قدرتمند عبور کشتی‌های بدون مجوز می‌شد. آنها نوعی «مجوز دریانوردی» به نام کارتاز (Cartaz) صادر می‌کردند. هر کشتی‌ای که این مجوز را نداشت توقیف، جریمه یا حتی غرق می‌گردند. در زمان شاه اسماعیل و شاه تهماسب، ایران توان دریایی کافی برای مقابله نداشت. در زمان شاه عباس اول (۱۵۸۸ تا ۱۶۲۹ میلادی) بازپس‌گیری اقتدار ایران در خلیج فارس با اخراج پرتغالی‌ها از هرمز در ۱۶۲۲ میلادی و پایان ۱۱۵ سال سلطه پرتغال بر هرمز اتفاق افتاد. تغییر نام بندر گامبرون به «بندرعباس» و تبدیل آن به مرکز تجارت خارجی



مهدی زارع

دریایی در همین زمان صورت گرفت. قدرت استعماری بعدی انگلیس بود که طی حدود دو قرن سلطه بر منطقه خلیج فارس را تکمیل کرد. با هدف حفظ مسیر هند با کمپانی هند شرقی، انگلیس از اوایل قرن ۱۸ در بندر بوشهر و سپس بصره فعالیت تجاری داشت. سپس برای تثبیت نظامی با عقد قراردادهای حمایتی در قرن نوزدهم تحت عنوان مبارزه با آنچه «دزدی دریایی» می‌نامیدند در ۱۸۱۹ به بهانه مقابله با قبیایل دریایی منطقه مانند قواسم، هم‌زمان با اواخر دوره فتحعلی‌شاه قاجار سا حملات نظامی به سواحل، جزایر رأس‌الخیمه را بمباران کرد. در ۱۸۲۰ پس از حمله نظامی، انگلیس شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس را وادار به امضای قرارداد صلح کرد. طبق این قرارداد منع جنگ دریایی بدون اجازه انگلیس و نظارت انگلیس بر روابط خارجی آنان برقرار شد و این شیوخ بعدها به «امارات متصلحه» معروف شدند. در قرارداد انحصاری ۱۸۹۶ منع واگذاری سرزمین به قدرت‌های دیگر و منع ارتباط خارجی بدون اجازه انگلیس موجب وابستگی کامل شیوخ منطقه به انگلیس شد. از این زمان، سواحل جنوبی عملاً تحت‌الحمایه انگلیس شدند. در زمان مظفرالدین شاه قاجار (۱۹۰۳) انگلیس جزایر تنب و سپس ابوموسی را با بهانه جلوگیری از نفوذ روسیه و آلمان اشغال کرد. این اقدام بدون واگذاری رسمی ایران انجام شد. ایران در دوره قاجار بارها اعتراض کرد، اما ضعف حکومت مرکزی مانع اقدام مؤثر شد. پس از کشف نفت در ایران توسط کمپانی انگلیسی در ۱۹۰۸ و تأسیس شرکت نفت انگلیس و ایران، انگلیس در منطقه خلیج فارس مدعی حفاظت از منافع نفتی خود شد و حضور نظامی خود را تقویت کرد و خطوط کشتیرانی را تحت کنترل گرفت. در ۱۹۶۱ و آغاز تجاوز نظامی به ایران در جنگ جهانی دوم، نیروی دریایی انگلیس، در زمان کوتاهی، ناوهای نیروی

یادداشت

موشک به کارخانه خورد، درد به بیماران



رفته باشد، اما در واقع چیزی بسیار ظریف‌تر آسیب می‌بیند؛ اطمینانی که بیماران با زحمت فراوان ساخته‌اند. اطمینان به اینکه درمان ادامه خواهد داشت، دارو خواهد رسید و امید هنوز قطع نشده است. من این را به عنوان کسی می‌نویسم که مادری دارد که با سرطان دست‌وپنجه نرم می‌کند. کسانی که عزیزانشان با سرطان زندگی می‌کنند، معنای این خبرها را خوب می‌فهمند. آنها می‌دانند که یک دارو فقط یک محصول صنعتی نیست. دارو همان چیزی است که باعث می‌شود یک بیمار بتواند شش را کمی آرام‌تر بخوابد، صبح را با امید بیشتری آغاز کند و یک دوره دیگر درمان را تحمل کند. در چنین خانه‌هایی، امید بسیار شکننده است.



در روزهایی که آسمان تهران شاهد پرواز هواپیماهای جنگی و فرود آمدن بمب‌های ویرانگر دشمن صهیونیستی - آمریکایی است، در دل مراکز نگهداری معلولان، فخرمآنانی بی‌نام، با عشق و فداکاری، از عزیزترین‌هایشان در برابر شعله‌های جنگ محافظت می‌کنند. مادریاران بهزستی، در پناهگاه‌های سرد و تاریک، با سر دادن لایبی عشق، آرامش را میهمان دل‌های مضطرب و جسم‌های رنجور معلولان کرده و با هر نفس، مقاومت و ایثار را معنا می‌کنند. عکس: علیرضا اسماعیلی، باشگاه خبرنگاران جوان

اقتصادخوانی

وقتی

آینده نامعلوم است...

«سبک اقتصادی» زندگی ایرانی‌ها در روزهای جنگ تغییر کرده است. بیش از یک ماه از آغاز جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران گذشته است؛ جنگی که اگرچه در سطح کلان با تحلیل‌های نظامی و سیاسی سنجیده می‌شود، اما در سطح زندگی روزمره رذیای آن را می‌توان در سبذ خرید خانواده‌ها، در صف نانوایی‌ها، در قفسه‌های نیمه‌خالی برخی فروشگاه‌ها دید. جایی که اقتصاد خرد خانوار، اولین جایی است که تغییر را فریاد می‌زند. در روزهای ابتدایی جنگ، تغییر الگوی خرید به‌سرعت خود را نشان داد. بسیاری از خانوارها، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، خریدهای غیرضروری را کنار گذاشتند. لباس، لوازم دکوری، تفریح و حتی برخی هزینه‌های آموزشی، جای خود را به خریدهای فوری‌تر دادند. در این میان، داده‌های غیررسمی از افزایش تقاضا برای اقلامی مانند برنج، کنسرو، روغن، داروهای عمومی و حتی آب معدنی خبر می‌دهد؛ الگویی که در بسیاری از بحران‌های مشابه جهانی نیز تکرار شده است افزایش خریدهای اضطراری، یکی از شاخص‌ترین تغییرات این روزهاست. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد خانوارها بیش از گذشته به خریدهای حجمی روی آورده‌اند. به گفته برخی فروشندگان، در هفته‌های نخست جنگ، فروش برخی اقلام اساسی تا دو برابر افزایش داشته است. اگرچه هنوز آمار رسمی و دقیقی از تغییرات سبذ مصرف منتشر نشده، اما بررسی‌های میدانی گزارش‌های پراکنده نشان می‌دهد که سهم خوراکی‌ها و دارو در هزینه خانوار به‌طور محسوس افزایش یافته است.

اقتصادنیوز گزارشی در گفت‌وگو با مردم تهیه کرده است. رننا، ۳۴ساله و کارمند یک شرکت خصوصی در تهران، می‌گوید: «قبل از جنگ، برای عید برنامه خرید لباس داشتم، حتی یک سفر کوتاه هم در نظر گرفته بودیم، اما الان فقط به این فکر می‌کنیم که مواد غذایی و دارو داشته باشیم. حس می‌کنم آینده نزدیک قابل پیش‌بینی نیست». این تغییر فقط مختص طبقه متوسط نیست. در جنوب شهر تهران، حمید، راننده تاکسی، روایت مشابهی دارد: «قبلاً هر هفته برای بچه‌ها به پیژری می‌خریدم، الان فقط خرید خورف می‌کنم. حتی بنزین هم حساب‌شده‌تر مصرف می‌کنم». الهام، ۴۲ساله و خانه‌دار، می‌گوید: «قبلاً هفته‌ای خرید می‌کردم، الان سعی می‌کنم برای دو یا سه هفته خرید کنم. حتی چیزهایی که شاید لازم نشه هم می‌خرم، فقط برای اینکه خیالم راحت باشه». در کنار تغییر سبذ مصرف، جابه‌جایی‌های جمعیتی نیز یکی از پیامدهای مهم این جنگ بوده است. به‌ویژه در تعطیلات نوروز که خود به‌طور طبیعی زمان سفر است، این جابه‌جایی‌ها شدت بیشتری گرفت. بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سوی نهادهای امدادی مانند جمعیت هلال‌احمر، حجم سفرهای داخلی در هفته‌های نخست جنگ افزایش قابل توجهی داشته است. اگرچه نوروز می‌تواند به عنوان یک عامل تقویت‌کننده در این روند در نظر گرفته شود، اما به نظر می‌رسد بخش عمده این جابه‌جایی‌ها ناشی از نگرانی‌های امنیتی و تلاش برای دورشدن از نقاط پرریسک بوده است؛

از سوی دیگر، برخی از این مهاجرت‌ها موقتی و رفت‌وبرگشتی بوده است. نازنین، دانشجوی ساکن تهران، می‌گوید: «چند روز اول جنگ رفتیم شهرمون، ولی بعدش برگشتیم چون کار داشتیم. الان خیلی‌ها همین‌طوری بین شهرها و رفت‌وآمد هستند». بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد کسب‌وکارهایی مانند رستوران‌ها، آرایشگاه‌ها و فروشگاه‌های محلی در برخی شهرهای شمالی کشور با افزایش قابل توجه مشتری مواجه شده‌اند. در مقابل، در شهرهایی مانند تهران، دیگر در این مشاغل با افت نسبی فعالیت روبه‌رو شده‌اند. در واقع آثانی که در شهرهای مورد حمله‌مانده‌اند کمتر به انجام کارهای غیرضروری از نظرشان اقدام می‌کنند، چراکه رایج‌ترین احساس این روزهایشان احساس نااطمینانی نسبت به آینده است. وقتی افراد نمی‌دانند جنگ تا چه زمانی ادامه خواهد داشت، طبیعی است که رفتار اقتصادی خود را محتاطانه‌تر تنظیم کنند.

خانوارها در این مدت، نه‌تنها سبذ مصرف خود را تغییر داده‌اند، بلکه نوع نگاهشان به زندگی روزمره نیز دگرگون شده است. بسیاری از تصمیم‌ها موقتی شده‌اند، برنامه‌ها کوتاه‌مدت و امیدها محتاطانه. این جنگ، اگرچه در میدان‌های نظامی جریان دارد، اما در خانه‌ها، در خریدهای روزانه، در انتخاب‌های کوچک و در تعلیق‌های طولانی مردم، به شکلی دیگر در جریان است و ادامه دارد. در واقع این روزها ذهن‌ها درگیر این پرسش‌اند: «تا کی؟» و «بعدش چه می‌شود؟»

یادداشت

موشک به کارخانه خورد، درد به بیماران

گاهی به اندازه یک نسخه پزشک، گاهی به اندازه یک جعبه دارو، برای همین وقتی خبر می‌رسد که یکی از مراکز تولید دارو آسیب دیده، اولین چیزی که به ذهن می‌آید تحلیل نظامی نیست، چهره بیمارانی است که هنوز در میانه درمان ایستاده‌اند؛ کسانی که هر هفته برای شیمی‌درمانی به بیمارستان می‌روند و سعی می‌کنند باور کنند این مسیر دشوار روزی به پایان خواهد رسید. جنگ‌ها معمولاً با زبان قدرت روایت می‌شوند؛ با تعداد موشک‌ها، با فهرست اهداف و با گزارش عملیات‌ها، اما در حاشیه این روایت‌ها زندگی‌هایی وجود دارد که در هیچ گزارش نظامی‌ای دیده نمی‌شوند؛ زندگی بیمارانی که تمام امیدشان به این است که درمانشان قطع نشود. وقتی شریان‌های تولید دارو آسیب می‌بیند، صدای آن فقط در محل انفجار شنیده نمی‌شود، این صدا در اتاق‌های بیمارستان می‌پیچد، در داروخانه‌ها شنیده می‌شود و به خانه‌هایی می‌رسد که در آنها بیماری با ترس و امید در کنار هم زندگی می‌کنند. برای بیماری که در میانه درمان سرطان قرار دارد، زمان معنای ساده‌ای دارد؛ رسیدن به دوز بعدی دارو، رسیدن به جلسه بعدی درمان؛ رسیدن به روزی که شاید پزشک بگوید «حال شما بهتر شده است». جنگ‌ها روزی تمام می‌شوند، اما برای بیماری که درامتش به دارو وابسته است، هر وقته می‌تواند به اندازه یک گدازه بزرگ باشد. وقتی موشکی به کارخانه‌ای می‌خورد که دارو تولید می‌کند، شاید در گزارش‌های جنگی فقط یک هدف نابود شده باشد. اما در زندگی واقعی، چیزی عمیق‌تر زخمی می‌شود؛ امید بیمارانی که تمام توانشان را گذاشته‌اند تا زنده بمانند.

یک

ستاره

دانشمندان ستاره‌ای را از نسل دوم اجرام آسمانی در کیهان شناسایی کردند که فقط چند میلیارد سال پس از آغاز جهان شکل گرفته است. این ستاره‌های بکر، از نظر محققان پنجره‌هایی به سوی طلوع ستاره‌ها و کهنکشان‌های جهان هستند. انفجار بزرگ، جهان را به شکل سوپی داغ و تیره از ذرات پرنرژی درآورد. این ماده با گذشت زمان و با انبساط یافتن، شروع به خنک‌شدن و ادغام‌شدن در گاز هیدروژن خنثی کرد. برخی از بخش‌ها متراکم‌تر از بقیه بودند و پس از چند ۱۰۰ میلیون سال، گرانش آنها بر مسیر رو به بیرون جهان غلبه کرد و اولین نسل از ستاره‌ها را شکل داد. این ستاره‌های داغ سوختند و در جوانی مردند، از این آوار، ستارگان جدیدی متولد شدند.

۲۸

روز

جنگ در منطقه پر فعالیت‌های هنری تاثیر گذاشته است. دوازدهمین دوره جشنواره فیلم عربستان که قرار بود از ۲۳ تا ۲۹آوریل در شهر طهران این کشور برگزار شود، به تاریخ ۲۵ ژوئن تا اول جولای موکول شد؛ یعنی تأخیری ۲۸روزه خواهد داشت. دفتر جشنواره دلیل خاصی اعلام نکرده اما تأکید کرده به موضوع «سینمای سفیر» و می‌پردازد و با ششاعر «برای هر داستان، یک سفر» برگزار می‌شود. این جشنواره از سال ۲۰۱۷ پس از برداشتن ممنوعیت در سینما راه‌اندازی شده و بیش‌تر ۹ سال به صورت زیرزمینی برگزار می‌شد. جشنواره مؤسسه فیلم دوحه برنامه ویژه استعدادهای خود را به صورت آنلاین برگزار می‌کند و ناگزیر شد رویداد حضوری خود را لغو کند.